

عده ای از محققین ایرانی نظیر پورداود و عنایت الله رضا اطلاق نام آذربایجان بر منطقه آذربایجان شمالی عملی نادرست پنداشته و نام باستانی آنجا را آران یا آلبانی معرفی کرده اند. ظاهر قضیه درست است ولی اگر تحقیقات از معلومات ایشان فراتر رود معلوم میشود که شهرستان آتور پاتکان (محل نگهداری آتش مقدس) اصلاً نام خاص منطقه باکو (شهر منسوب به خدای آتش) یا باگون (شهر دارای آتشکده) بوده است و همنامی این منطقه با آذربایجان ایران که نام خود را از آتروپات (نگهبان آتش) -والی آذربایجان در عهد داریوش سوم و اسکندر- دارد، تصادفی بوده است؛ گرچه در این رابطه گفته میشود که آتروپات بر آران نیز نظارت داشته است. سند بسیار معتبر در این باب همانا مندرجات کتاب پهلوی شهرستانهای ایران می باشد چه در این کتاب پهلوی می خوانیم: " در جانب آتورپاتکان (آذربایجان) شهرستان آتورپاتکان (محل نگهداری آتش مقدس) را اِران گشنسب (آرا، ایرج، زرتشت) سپهبد آتورپاتکان (آذربایجان) ساخت. " اِران گشنسب اسطوره ای را موسی خورنی مورخ ارمنی معروف قرن پنجم میلادی نیز تحت نام آران به خوبی می شناسد و وی را شخص اسطوره ای - تاریخی مهم و معروفی معرفی می نماید. پیداست این نام با نامهای اساطیری معروف ارامنه یعنی آرا (کورش) و فرزند خوانده اش آرای آرایان (ایرج، زرتشت) ارتباط پیدا می کند. چون اگر در نام اِران، "ان" را علامت نسبت بدانیم در این صورت این اسم شکلی از همان نام آرای آرایان یعنی بردیه زرتشت می گردد. می دانیم این نام در نزد خود ایرانیان به صورت ایرج یعنی منسوب به آرا (فرد نجیب، منظور کورش) ثبت گردیده است. بنابر این در اسطوره یونانی عقاب کوهستان قفقاز (هایک، نیای اساطیری ارامنه) از پرومته ای (یعنی شخص دور اندیشی) که در رابطه خصمانه با این عقاب، یاد شده باید خود همان زرتشت (ایرج ایرانیها، آرای آرایان ارامنه و امیران گرجیها و عمران ارانیها) اراده شده باشد. نامهای هایک و ارمن به معانی عقاب و سرزمین عقاب می باشند. مسلم به نظر می رسد نام اِران چه در معنی منسوب به آرا (کورش) و چه در مفهوم منسوب به آرای آرایان (یعنی بردیه زرتشت، پسر خوانده کورش) مربوط به نواحی وحوالی بین النهرین رودهای کورا (کورش) و ارس در سمت مصب این رودها بوده است. در مقابل این ناحیه در سمت ایالت آذربایجان منطقه کوهستانی پایتاکاران (یعنی کوههای پیش دشت) که همان کوههای قارا داغ (ارساران) هستند. پیداست که نامهای قاراداغ (کوهستان بزرگ) و قاراباغ (باغ بزرگ) در رابطه باهم بوده و وجه تسمیه متقابل و متضادی دارند ولی پایتاکاران در معنی پایتخت اِران، نامی بر خود شهر بیلقان یعنی شهر شاهی، پایتخت اِران در کنار رود کورا بوده است. اما نامهای فراگیر قدیمی این منطقه یعنی اِران (به کردی

یعنی سرزمین آتش) و آلبانی یا آلوانی (مرکب از آلوو و پسوند نسبت "ان" یا پسوند ملکی "وان") و آقوان (آگوان، مرکب از کلمه آگ و پسوند ملکی "وان") در زبانهای کهن این منطقه یعنی میتانی و مادی به معنی سرزمین آتش بوده اند. این اسامی بی شک با توجه به چشمه های نفتی شعله ور منطقه باکو (باگوان یعنی سرزمین ایزد آتش) پدید آمده اند. اتحادیه قبایل ترکان و سکائینی که در عهد مادها بدین سرزمین آمده بودند در کتب تاریخ با نام سکا (قوم جام زرین و آتشین)، اناریان (بی ریشان)، اوتیان (به ترکی یعنی آتش پرستان)، ایلنتورک یا ایغندورک (یعنی ترکان دانا)، گرگر (قبیله سلطنتی) و بیات (اسب سروران) و بون ترکان (یعنی ترکان دیوانه سر) نامیده شده اند و در این اتحادیه ترکان اکثریت و دست بالا را داشته اند. طبق مندرجات تعلیقات کتاب اساطیری کهن این مردم یعنی ده ده قورقود این ترکان شاخه ای از قوم بیات یعنی اسب سروران = هونها بوده اند. در کنار این ها بومیان کاسپی یعنی سگپرست می زیسته اند که در کتب تاریخ و اساطیر نامشان همچنین به صور کادوسی و کاتوزی نیز ذکر گردیده که باز به همان معنی سگ پرستان می باشند. میدانیم که در شاهنامه از این دو قوم کاسپی و ترک اران با نامهای سگساران (سگ سروران) و گرگساران (گرگ سروران) نام برده شده است. گفتنی است شاخه ای از این ترکان اران، دورتر در ارمنستان کوچک زندگی می نموده اند که در تواریخ یونانی و گرجی به ترتیب کالدانیان یا خالدائیان یعنی مردم جنگجو و بون ترکان یعنی ترکان دیوانه سر نامیده شده اند. در مورد بومیان سگپرست این منطقه گفتنی است سگپرستی در قفقاز سنت بسیار دیرینه ای بوده است چه نام کوتیان (نیای کاسپیان) نیز به همین معنی سگ پرست می باشد، چنانکه می دانیم این مفهوم در نام مردم ترک نوقای در شمال قفقاز - که در زبان مغول به معنی سگ می باشد - و همچنین طایفه سگوند کوهستان زاگروس بر جای مانده است. بی شک حماسه کوراوغلو و اسطوره ده ده قورقود (شاهنامه ارنیها) یادگار همان مردم ترک زبان اران / آلوانی یعنی سرزمین آتش می باشند. چنانکه مندرجات کتاب پهلوی شهرستانهای ایران معلوم می دارد، این مفاهیم در نام اران گشنسب سپهبد آذربایجان به بهترین وجهی فرموله شده بوده است؛ چون کلمه آر علاوه بر معنی نجیب - که بدین معنی لقبی بر کورش و پسر خوانده اش بردیه زرتشت (ایرج) بوده است - در زبان در زبان سکایی و مادی کردی معنی آتش را می داده است و از اینجاست که القاب آگادات (مخلوق آتش) و آذر هوشنگ به ترتیب برای کورش و زرتشت پیدا شده است. از واژه گشنسب هم، چنانکه مندرجات کتب پهلوی نشان می دهند معنی آتش جهنده مربوط به توتم اسب (یا سگ بالدار اسطوره ای) این مردم اراده گردیده است. گفتنی است در اران یعنی جمهوری آذربایجان فعلی چهار توتم آتش، گرگ، سگ و عقاب / شاهین به قدرت پرستش می شده است. پس نزد قبایل مختلف آنجا نام اساطیری ده ده قورقود در رابطه با توتمهای این مردم بوده است، چه

این نام علاوه بر معنی پدر مجرب آتش مقدس معانی پدر توتم سگ(سپه) و گرگ و اسب(اسپ) و شاهین را نیز می‌داده است. اگر اران خردمند خبر موسی خورنی را مطابق با اصل ده ده قورقود بدانیم در این صورت این نام در اساس خود به همان معنی پدردانی آتش مقدس (زرتشت/ هوشنگ) بوده است. معهدا در کنار آن توتم گرگ نیز نزد این مردم بسیار مقدس به شمار می‌رفته است؛ چه منابع گرجی/ ارمنی کهن نام نیای اساطیری شاخه غربی ایلنتورک ها (یعنی ترکان دانا و زرتشتی) را که در سمت ارمنستان صغیر سکنی داشته اند و بون ترکان (ترکان دیوانه سر و غیر زرتشتی) نامیده می‌شده اند، تورک (ترک) آورده اند که به معنی پهلوان گرگ سیما می‌باشد. در رابطه با اسطوره حماسی کوراوغلوی آذربایجان باید گفت که اصل این حماسه مربوط به کورش هخامنشی سازنده سد آهنین دربند داریال قفقاز در نزدیکی سرچشمه شاخه شمالی رود کورا (کورش) است چه کتسیاس طیب و مورخ یونانی عهد پادشاهان میان هخامنشی به صراحت از این اسطوره منسوب به کورش یاد کرده است. اما از بررسی دقیقتر این اسطوره آذری به وضوح معلوم می‌گردد که این حماسه وقتی به طور اساسی شکل کنونی آن را به خود گرفت که بابک خرمدین (حسن) مبارز آذربایجان و اران خود را در کنار اعتقاد به تناسخ، کوراوغلو (یعنی در اصل فرزند کورو، کوروش، لفظاً یعنی قوچ) ملقب نموده و با تنبور ترانه های حماسی در باب وی خوانده است. چه چاملی بل (یعنی دژ مه آلود) کوراوغلو همان قلعه مه آلود بد بابک خرمدین می‌باشد چون کلمات بد و بل علی القاعده هردو در رابطه با هم از ریشه پاژ و پاد یعنی قلعه و محل نگهداری می‌باشند. سر انجام در رابطه با ارتباط نام بیاتهای گرگر که در عهد روادیان بر تمامی آذربایجان تسلط داشته اند، گفتنی است که نامی به شکل بیاتوت نیز در شرق با آنان ربط داده شده است که آن را می‌توان به معنی اندرزگوی خان یا مترادف با [ده ده] قورقود به معنی ترک آتش پرست گرفت. نام اقوام آریایی و ترکی سکا (ساخو) را هم - چنانکه در اساطیر آنان نیز یاد شده- در این رابطه باید به معنی دارندگان جام زرین آتشین خورشیدی گرفت. مصداق این نام ایزد آتش سکایی/ اسلاوی سواروگیچ است که به همین معنی منسوب آتش مقدس خورشیدی است. در پایان گفتنی است از آنجاییکه نامهای اران و آگون را می‌توان به معنی سرزمین آتش گرفت لذا معلوم می‌گردد ده ده قورقود (زرتشت ترک زبانان جنوب قفقاز) نیای اساطیری مردم اران به شمار می‌رفته است. نظر به این که نامهای اران، آگون و آلبانی (آلوانی) به معنی سرزمین آتش بوده، لذا این سوال پیش می‌آید که آیا منظور از زبان آذری که گفته شده در دوره اعراب زبان مسلط مردم آذربایجان بوده، همان زبان ترکی مردم اران نبوده است؟ چه نامهای ترکی ترکان اران یعنی بیاتها (بیاتوتها) و اوتیان (اودینان) را نیز می‌توان آتش پرستان معنی نمود؛ چه ناصر خسرو و یاقوت حموی به صراحت به بیگانگی زبان آذری با زبانهای ایرانی اشاره کرده اند؛ معهدا طبق نوشته های دیگر مورخان و جغرافی نویسان

دوره مسلمین به همراه این زبان که ارانی نیز نامیده شده، زبان در حال احتضار پهلوی مغرب نیز رواج وسیعی داشته که به تدریج با زبان آذری جایگزین شده است. در شاهنامه تقسیم طبقاتی / قومی مردم اران در شمار رعایای جمشید (سپیتمه، پدر سپیتاک زرتشت) چنین ذکر شده است: ز هر پیشه ور انجمن گرد کرد بدین اندرون سال پنجاه خورد گروهی که کاتوزیان خوانیش برسم پرستندگان دانش جدا کردشان از میان گروه پرستنده را جایگه کرد کوه صفی بر دیگر دست بنشانند همی نام نیساریان خوانند کجا شیر مردان جنگ آورند فروزنده لشکر و کشورند نسودی سه دیگر گره را شناس کجا نیست بر کس از ایشان سپاس بکارند و ورزند و خود بدروند به گاه خورش سر زنش نشنوند چهارم که خوانند اهنو خوشی همان دست ورزان با سر کشی کجا کارشان همگان پیشه بود روانشان همیشه پر اندیشه بود از این میان کاتوزیان (کادوسیان، کاسپیان) به معنی دامداران بومی سگپرست، نیساریان (یعنی نیزه وران) همان جنگجویان ترک اران بوده اند که یونانیها نام ایشان را اناریان یعنی غیر ایرانیان یا بی ریشان آورده اند، نسودیهها که طبقه کشاورز اران را تشکیل می دادند ظاهراً با قبیله ارانی کنگرلوا مطابقت دارند و سر انجام اهنو خوشی یا هوتخشان (نیک کوشندگان) باید همان قبیله بزرگ ارانی گرگها (سازندگان) بوده باشند که هرودوت نامشان را در ارتباط با آمازونها یعنی اسلاف صربها ذکر نموده است. گفتنی است خود نام تورک را با توجه به معادل آسی آن یعنی توتیر می توان خدای نیرومند گرگها (توتم گرگ) معنی نمود. قابل توجه است که در اساطیر ژرمنهای شمالی تور، ایزد رعد متصف بدین صفت بوده و ارا به اش توسط دو بز(در اصل دو گرگ) که نامهایشان به معنی دارای دندانهای محکم و خردکننده است، حمل میشود. پیداست که در اینجا کلمه ژرمنی قوت (بز) با کلمه ترکی "قور[ر]ت" (گرگ) مشتبه شده است. نا گفته نماند نام گرگها (سازندگان) یادآور صنعت آهنگری ترکان می باشد: می دانیم هونها، ترکان را به خاطر استفاده از هنر آهنگری ایشان از سمت شمال دریای خزر به ناحیه اورخون در شمال شرقی مغولستان کوچ داده بودند.